



شما اینجا هستید: خانه (/index.php) ▶ درس خارج اصول ▶ مباحث الفاظ ▶
تقریر مباحث الفاظ (/index.php/تقریرات-خارج-اصول/مباحث-الفاظ/مباحث-الفاظ) ▶ مطلب سوم: بررسی بعضی از کلمات دال بر منع

مطلب سوم: بررسی بعضی از کلمات دال بر منع

مطلب سوم: بررسی بعضی از کلمات دال بر منع

کلماتی در ادب عربی و لسان روایات در معنای منع و نهی وارد شده است. آیا اینها هم ظهور در تحریم دارند؟

نظیر این مطلب را در باب اوامر هم بررسی کرده ایم. به چند مورد اشاره می کنیم:

مورد اول: کلمه کراهت

آیا کلمه کراهت و مشتقات آن به معنای مبعوضیت تحریمی است؟

بدون شبهه در کلمات فقهاء اگر یکره و مشتقاتش بکار رفت به معنای کراهت اصطلاحی (زجر مع الترخیص) است.

محقق خوئی در چند مورد در فقه می فرماید کراهت در روایات به معنای بغض و ظهور در حرمت است. دلیلی هم بر این معنا اقامه نمی کنند. [6]

عرض می کنیم: کراهت در لغت به معنای بغض و ناخوشایندی

کراهت در لغت به معنای بغض و ناخوشایندی است که دو فرد شدید (تحریم) و ضعیف (کراهت اصطلاحی) دارد. در روایات این کلمه و مشتقات آن به هر دو معنا بکار رفته است.

امام سجاد علیه السلام: إني لأكره أن يعافى الرجل في الدنيا ولا يصيبه شيء من المصائب. [7]

امام صادق علیه السلام: إني لأكره للمؤمن أن يصلي خلف الإمام في صلاة لا يجهر فيها بالقراءة فيقوم كأنه حمار قال قلت جعلت فداك فيمنع ما ذا قال يسبح. [8]

امام صادق علیه السلام: اني لأكره للرجل أن يكون عليه نعمة من الله فلا يظهرها. [9]

انی لا کره للرجل السری أن يحمل الشيء الدنی بنفسه. [10]

چنانکه این کلمه به معنای مبعوضیت شدید هم در روایات بکار رفته.

با دقت در کلمات و جملات عربی از جملات معاصر با عصر نص تا پس از آن نه از لغت و نه از تبادل اطرا دی نمی توانیم ظهور قوی برای کراهت و مشتقات آن در تحریم استفاده کنیم لذا اگر قرینه داشته باشیم ینصرف الیه و اگر قرینه نباشد اجمال دارد. فقط قدر مشترک و مطلق البغض استفاده می شود.

همچنین کلمه لأحب، ما یعجبنی که در روایات فراوان است. لأحب حمل بر کراهت و مبعوضیت است نه تحریم.

مورد دوم: لایصلح

است که باز در روایات فراوان بکار می‌رود محقق خوئی در بحث معاملات علی ما ببالی کتاب البیع به مناسبتی این کلمه را ظاهر در بغض تحریمی می‌دانند صلاحیت ندارد قابلیت ندارد.

عرض می‌کنیم: قول به تفصیل

حق این است که تفصیل قائل شویم که در ابواب معاملات "لایصلح بیع الخمر"، دلالت بر فساد و نهی تحریمی است، زیرا در بحث معاملات امر دائر بین صحت و فساد است و کراهت معنا ندارد اما در سایر موارد تکلیف ظهور در حرمت ندارد بلکه معنایش عدم شایستگی است. حال این عدم الصلاح و مبغوضیت یا به معنای تحریمی است یا ترخیصی و کراهت اصطلاحی.

عن ابی الحسن علیه السلام سألته عن الرجل یصلی و السراج موضوع بین یدیه فی القبله فقال لایصلح له أن یتقبل النار. [11] بعض فقهاء از قدما فتوا به تحریم داده‌اند. اما دلیل بر آن نداریم. امام صادق علیه السلام فرمودند: لایصلح للرجل أن یتبع بصاع غیر صاع مصره. [13] بله این فرموده امام صادق علیه السلام: لایصلح شراء السرقة و الخيانة إذا عرفت. [14] حمل بر تحریم می‌شود.

نتیجه کلمه لایصلح هم اگر قرینه نباشد مجمل است مانند لایصلح.

کلمه لاینبغی را ممکن است فردا اشاره کنیم.

[1]. جلسه پنجم، مسلسل 360، سه شنبه، 14.07.94.

[2]. وسائل الشیعة، ابواب بیع الثمار، باب 13، حدیث 1، ج 18، ص 239.

[4]. کافی، کتاب المید، بعد از باب مید سمک، حدیث 1، ج 6، ص 219. جزیث: نوعی ماهی است (ماهی سبیل دار)، زمیر: گربه ماهی، طافی: ماهی مرده روی آب، طحال: همان اسپرز است.

[5]. زفن: رقص، مزار: ساز، کوبه: طبل. وسائل الشیعة، ابواب ما یکتسب به، باب 100، حدیث 6، ج 17، ص 314.

[6]. از جمله: فإن جملة (لا أحب) غیر ظاهرة فی الکراهة بالمعنی الأخص ، بل استعملت فی القرآن المجید فی الموارد المبعوضة المحرمة كثيرا ، کقوله تعال : واللّه لا یحب الفساد ... وبالجمله : جملة (لا أحب) غیر ظاهرة فی الجواز مع الکراهة بل إما تستعمل فی المبعوضة المحرمة أو الأعم منها ومن الکراهة. کتاب الحج، ج 2، ص 267؛ و ج 3، ص 254؛ و در بعض موارد هم چنین می‌فرمایند: وقد ذکرنا غیر مرة أن (لا أحب) لا تدل علی الجواز بل غایتة عدم دلالتة علی الحرمة. کتاب الحج، ج 4، ص 249.

[7]. مستدرک الوسائل، ج 2، ص 52.

[8]. الوافی، ج 8، ص 1205.

[9]. کافی، ج 6، ص 439.

[10]. کافی، ج 6، ص 480. متن کامل حدیث: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ جَبَلَةَ الْكِنَانِيِّ قَالَ اسْتَقْبَلَنِي أَبُو الْحَسَنِ ع وَقَدْ عَلَّقْتُ سَمَكَةً فِي يَدِي فَقَالَ اقْذِفْهَا إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ السَّرِيَّ أَنْ يَحْمِلَ الشَّيْءَ الذَّنْبِيَّ بِنَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ أَعْدَاؤُكُمْ كَثِيرَةٌ عَادَاكُمْ الْخَلْقُ يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ إِنَّكُمْ قَدْ عَادَاكُمْ الْخَلْقُ فَتَزَيَّنُوا لَهُمْ بِمَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ.

[11]. کافی، ج 3، ص 391.

[13]. کافی، ج 5، ص 184.

[14]. کافی، ج 5، ص 228.

بسم الله الرحمن الرحيم [1]

مورد سوم: لاینبغی

محقق خوئی در مبحث صلاة جمعه که روایت شده "لاینبغی أن یتکلم و الإمام یخطب" می‌فرماید ظهور دارد در مبغوضیت شدید و حرمت.

عرض می‌کنیم: معنا اعم از مبغوضیت شدید و ضعیف است

وارد تحلیل لغوی این کلمه نمی‌شویم اما معنای آن اعم از مبغوضیت شدید و ضعیف است. تبادل اطرا دی بر اینکه این کلمه در مبغوضیت شدید وضع شده باشد نداریم. لذا بدون قرینه حمل کلمه لاینبغی بر مبغوضیت شدیدة صحیح نیست. و در شک در حرمت ممکن است برائت جاری شود.

مورد چهارم: ایاک

این کلمه هم به معنای حذر است که مرتبه شدید و قوی دارد و حملش بر حذر شدید و تحریم بدون قرینه دلیلی ندارد.